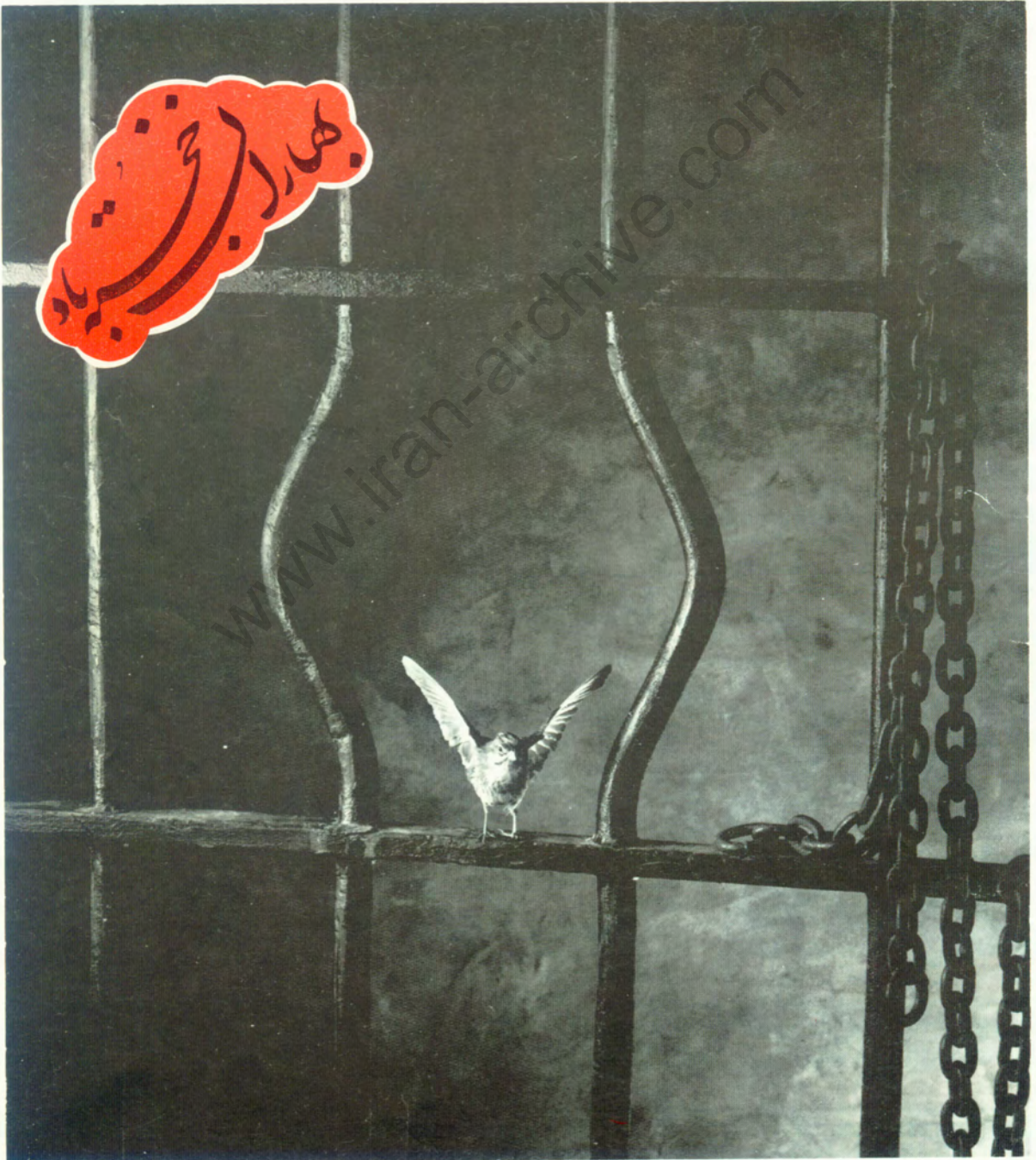


نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال ششم فروردین ۶۵ / آوریل ۸۷ شماره ۵۱



در این شماره

۲ ○ برنامه حزب کمونیست روسیه (بلشویک) ۱۹۱۹
(بخش دوم)

۵ ● اخبار ایران

۱۲ ● اخبار جهان

۱۸ ● اخبار جنبش دانشجویی

گزیده‌های از نشریات و اعلامیه‌ها

۲۳ ○ راه کارگر، جهشی دیگر در منجلاب و فرمیسیم

۲۵ ○ فرهنگ فشرده واژه‌های روز



۲۸ ○ نامه‌هایی از مارکس و انگلس

۲۳ ○ نامه‌هایی از مارکس و انگلس

۲۶ ○ دیکشناری و همکارانی پرولتاریا

۴۱ ○ دونا مه از بیزن

۴۵ ● تاریخچه

۵۰ ● از رهبرانندگان



راد نو سازمان جنبش‌های فدائی خلق ایران

همه روزه ساعات

۶/۵ بامداد، و ۱۲/۵ و ۸/۵ بعد از ظهر

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر



برای تماس با صدای فدائی
با نشانی زیر مکتوبه کنید:

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay-sous-Bois
France.

یادواره به خون‌تپیدگان



ادامی مقالسی دنباله‌ای بر شاعر بودن، شاعر شدن در
شماره بعدی جهان چاپ می‌شود.

عکس روی جلد از عکاس سوئدی بیورن لائر است.
طرح پشت جلد با استفاده از طرح رفیق مآندن تهیه شده
است.

برنامه حزب کمونیست روسیه (بلشویک) ۱۹۱۹



در زمینه اقتصاد

۱ - تداوم و اتمام فاطمانی سلب مالکیت از بورژوازی، که آغاز گشته، هم‌اکنون به نوعی اساسی اجرا می‌شود، و نیز قرار دادن وسایل، تولید و مبادله در مالکیت جمهوری شوروی، یعنی مالکیت عمومی همه کارگران.

۲ - افزایش هرچه بیشتر نیروهای مولد کشور باید نکته اساسی و اصلی تلقی شود که تمامی سیاستهای اقتصادی حکومت شوروی بر پایه آن استوار است. با توجه به سازمان گسیختگی کشور، هر چیز دیگر، به هر قیمت، باید تا به هدف فوری افزایش قیمت محصولات بسیار ضروری مورد نیاز ملت باشد. در شوروی کارکرد موفق هر نهادی که با اقتصاد در پیوند است باید با نتایج عملی در این راستا سنجیده شود.

در عین حال، و در وهله نخست، ضروری است که به نکات زیر توجه شود:

۳ - سقوط اقتصاد امپریالیستی، در دوره نخست، مبرانی از آشفتنگی در سازمان و مدیریت تولید برای دولت شوروی و ایجاد آن از این رو، چون یکی از اساسی‌ترین وظایف، ضروری است که یکتوانت کردن همه فعالیت‌های اقتصادی در کشور، بر طبق یک برنامه عمومی دولتی، به این شرح، تسریع شود: تمرکز کامل تولید به معنای ادغام آن در شاخه‌های گوناگون و دست‌هایی از این

۴ - ضروری است که، با سفارش دادن دولت به صنعتکاران، از صنایع دستی و صنایع کوچک در مقیاسی وسیع استفاده شود. صنایع دستی و صنایع کوچک در برنامه کلی عرضه مواد خام و مواد سوختی گنجانیده شود، و، مشروط به آنکه صنعتکاران، انجمن‌های صنعتکاران، تعاونی‌های تولیدی و کارگاه‌های کوچک در واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی ادغام شوند، از آنان حمایت مالی به عمل آید. چنین اقدامی با دادن امتیازهای اقتصادی، که همراه با اقداماتی دیگر با

شاخه‌ها و تمرکز آن در بارورترین واحدها، و نیز به معنای تسریع دست‌هایی به هدف‌های اقتصادی، تجهیز دستگاه‌های تولیدی به بهترین کارآیی، و استفاده معقول و صرفه‌جویانه از همه منابع مادی کشور.

همچنین لازم است که همکاری‌های اقتصادی و پیوندهای سیاسی با ملیتهای دیگر گسترش یابد، و در عین حال کوشش شود تا همراه با آنها، که هم‌اکنون به نظام شورایی پیوسته‌اند برنامه اقتصادی واحدی تهیه شود.

هدف خنثی کردن خواست صنعتکاران برای روی آوردن به خرده تولید صورت می‌گیرد، و از این راه، گذار آرام از شکل عقب مانده تولید را به نحوی عالی‌تری از صنایع مکانیزه در مقیاس وسیع عملی می‌سازد.

۵ - دستگاه سازماندهی صنایع اجتماعی شده باید که بیش از هر چیز بر اتحادیه‌های کارگری متکی باشد. این اتحادیه‌ها نیز باید خود را از قید تنگ نظری صنفی برهاند و به مجتمع‌های وسیع تولیدی، که اکثریت کارگران و به تدریج همی کارگران هر شاخه تولید را دربرمی‌گیرد، تبدیل شوند.

اتحادیه‌های کارگری، که هم‌اکنون بر طبق قوانین جمهوری شوروی و رویه معمول در ارگانهای محلی و مرکزی اداري صنایع شرکت دارند، باید که در عمل اداری کامل تمامی امور اقتصاد عمومی، چون تنها واحد اقتصادی، را در دست خود متمرکز کنند. از این رو، اتحادیه‌های کارگری، با تامین وحدتی ناگسستگی میان مدیریت مرکزی دولتی، اقتصاد و تودهای وسیع کارگران، باید آنان را در مقیاسی وسیع به مدیریت مستقیم اقتصاد بکشانند. به علاوه، مشارکت اتحادیه‌های کارگری در مدیریت اقتصاد و جلب تودهای وسیع به این وظیفه به وسیلهی آنها، افزار اصلی مبارزه علیه بوروکراتیزه شدن دستگاه اقتصادی حکومت شوروی است، که فرصت برقراری نظارتی واقعا مردمی را بر نتایج تولید حاصل می‌کند.

۶ - حداکثر بهره‌برداری از کلیه نیروی کار موجود در کشور، توزیع با قاعدی آن و بازتوزیع آن چه در میان نواحی گوناگون جغرافیایی و چه در میان شاخه‌های متفاوت اقتصاد، برای توسعه منظم آن ضروری است، و باید که وظیفه فوری سیاست اقتصادی حکومت شوروی باشد. این وظیفه تنها می‌تواند از طریق وحدت نزدیک با اتحادیه‌های کارگری انجام پذیرد. به منظور اجرای وظایف اجتماعی معین، حکومت شوروی باید که با مشارکت اتحادیه‌های کارگری، و در مقیاسی وسیع‌تر و منظم‌تر از آنچه تاکنون صورت گرفته است، به بسیج همی افرادی از ملت که می‌توانند کار کنند، بپردازد.

۷ - در شرایط تلاشی سازمان کاپیتالیستی نیروی کار، بازسازی و گسترش نیروهای مولد کشور، و تحکیم نظام سوسیالیستی تولید، تنها بر مبنای انضباط رفیقانهی کارگران، حداکثر فعالیت مستقل از سوی آنان، مسوولیت آگاهانه و نظارت موکد و متقابل بر بهروری نیروی کار، ممکن می‌شود. فعالیت منظم و مداوم در جهت بازآموزی تودها برای رسیدن به این

هدف ضروری است. این فعالیت اکنون آسان‌تر گشته است، چرا که تودها به واقع حذف سرمایه‌داران، زمینداران و بازرگانان را می‌بینند، و از تجربهی عملی خود به این نتیجه می‌رسند که میزان رفایشان یکسره وابستگی به انضباط نیروی کارشان دارد.

اتحادیه‌های کارگری در ایجاد این انضباط سوسیالیستی نو نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. این اتحادیه‌ها، با گسستن از خصوصیات کهن، باید که اقدامات گوناگونی، همچون برقراری اصل پاسخگویی، معیارهای تولیدی، مسوولیت در قبال دادگاههای رفیقانه و خاص کارگری، و جز اینها، را برای تحقق این هدف به تجربه گیرند.

۸ - تکامل نیروهای مولد نیز مستلزم بهره‌برداری وسیع و کامل از همی متخصصان علم و تکنولوژی است که همچون میراثی از سرمایه‌داری برای ما به جا مانده است، هرچند واقعیت این است که اکثریت اینان به ناچار به عادت‌ها و دیدگاههای بورژوازی آغشته شده‌اند. حزب معتقد است که دوره مبارزهی حاد با این لایه، به علت کارشکنی سازمان یافته از سوی آنان، پایان یافته است، چه کارشکنی در کل از میان رفته است. اکنون، حزب باید که، در یگانگی کامل با اتحادیه‌های کارگری، مشی سابق خود را دنبال کند، یعنی از یک سو همی گونه امتیاز سیاسی به این لایه از بورژوازی نهد و هرگونه حرکت ضدانقلابی آنان را بهرجهانه سرکوب کند، و از سوی دیگر نیز علیه این نظر به ظاهر رادیکال ولی بی‌اساس و خودبیمانه، که طبقی کارگر می‌تواند بدون کمک متخصصان بورژوا و با بهره‌گیری از معلوماتشان بدون فراگیری طولانی از آنان بر سرمایه‌داری و نظم بورژوازی فایق آید، مبارزه کند.

حکومت شوروی با وجود آنکه به سوی پاداش برابر برای همه گونه کار و کمونیسم کامل حرکت می‌کند، به زمانی که تنها گامهای نخست در راه گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم برداشته شده، نمی‌تواند تحقق چنین برابری‌ای را در این لحظه وظیفه فوری خود تلقی کند. از این رو ضروری است که، تا زمان معینی، پاداش بیشتری برای متخصصان تامین شود تا بتوانند بهتر از گذشته کار کنند، و به این دلیل، رها کردن نظام پرداخت اضافی برای کارهای موفق و به ویژه موثر، رهنورز ممکن نیست.

به همین نسبت ضروری است که متخصصان بورژوا را در محیطی از فعالیت مشترک رفیقانه در کنار تودهای کارگران عادی، و به رهبری کمونیستهایی که آگاهی

طبقاتی دارند فراز داد تا، از این راه، بین کارگران یدی و فکری، که نهایتا در سرمایه‌داری جدا از یکدیگر بودند، تفاهم متقابل و روابط نزدیک تری پدید آید.

۹ - حکومت شوروی هم‌اکنون برای توسعهی علوم و نزدیک‌تر کردن ارتباط آن با تولید به اقداماتی پرداخته است: تاسیس تعداد جدیدی از سازمانهای علمی، آزمایشگاهها، موسسه‌های تحقیقی، و تولید آزمایشی برای حصول به روشهای جدید فنی، پیشرفت و اختراع، ثبت اختراعات، و سازماندهی کلیه نیروها و وسایل علمی. حزب کمونیست روسیه، با حمایت از همی این اقدامات، برای گسترش بیشتر آنها و ایجاد شرایط مساعدتری برای فعالیتهای علمی در راه افزایش نیروهای مولد کشور کوشش خواهد کرد.

در زمینه اقتصاد کشاورزی

۱ - حکومت شوروی با الغای مالکیت خصوصی بر زمین، هم‌اکنون رشته اقداماتی را در راستای سازماندهی کشاورزی سوسیالیستی در مقیاسی وسیع آغاز کرده است. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از:

- ۱) تاسیس مزرعه‌های شورایی، یعنی طرحهای اقتصادی وسیع سوسیالیستی؛
- ۲) حمایت از مجامع و انجمنهایی که کشت جمعی زمین را در نظر دارند؛
- ۳) سازماندهی کشت همی زمینهای غیر مزروع به وسیلهی دولت؛
- ۴) بسیج دولتی تمامی امکانات کشاورزی و برداشتن گامهای سریع در راه افزایش بهروری کشاورزی؛
- ۵) حمایت از کمونهای کشاورزی چون اتحادیه‌های کاملا داوطلبانهی کارگران کشاورزی به منظور تولید بیشتر و وسیع‌تر محصولات کشاورزی.

حزب کمونیست روسیه، با در نظر گرفتن تمامی اینها چون تنها راه اساسی به سوی افزایش بهروری نیروی کار کشاورزی، تلاش خواهد کرد تا این اقدامات را به انجام کامل آنها برساند، آنها را به نواحی عقب مانده‌تر کشور تعمیم دهد و در این راه گامهای بیشتری نیز بردارد. به ویژه حزب کمونیست روسیه اقدامات زیر را لازم می‌داند:

- ۱) تشویق هرچه بیشتر دولت از تعاونیهای کشاورزی که در تولید فرآوردهای کشاورزی دخالت دارند.
- ۲) بهتر ساختن زمینهای زراعی در مقیاسی وسیع.
- ۳) تدارک وسیع و منظم لوازم کشاورزی برای کشاورزان فقیر و متوسط از طریق نهادهای خاص.

جنگ کراس از ایران

و حتی برخی نقاط چند بار بمباران شده‌اند. حملهای هوایی اخیر، دو وجه عمده داشتند. اولاً، تعداد زیادی هواپیما (بین ۳۰ تا ۴۰ هواپیما) همزمان به شهر حمله می‌کردند. ثانیاً، هر حمله، حداقلاً سه ریم ساعت طول می‌کشید.

طی این بمبارانها، مردم آنقدر وحشت داشتند که هر ثانیه به نظرشان سالی می‌رسید. از ضدهوایی هم کاری ساخته نیست و هواپیماهای عراقی به راحتی و با آرامش خاطر به بمباران شهرها می‌پردازند.

رژیم جمهوری اسلامی از مردم کرمانشاه دل خوشی ندارد و آنان را از خود جدا می‌داند، چرا که مردم این شهر در بسیج نیرو به هیچ وجه همکاری نکرده‌اند و در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، تا جایی که موحدی کرمانی، از کسادی بازار نماز جمعه، به بهانهی پشت درد شهر را ترک کرد. همچنین تعداد زیادی از سربازان پایگاههای اطراف کرمانشاه فراری شده‌اند. البته سپاه محمد کرمانشاه، به زور، روستایان اطراف شهر را بسیج کرده است و ۳ گردان نیرو دارد. در نتیجهی بمبارانهای اخیر، شهر

طرف مسوولان دولتی مصادره شده بود، در انهاها بلا تکلیف مانده بود و مسوولان دادگستری تبریز مرتب به مقامات بالاتر شان نامه می‌نوشتند و می‌رسیدند در مورد این اموال چه کنند. تا اینکه، حدود یک ماه پیش نامی محرمانه‌ای به دست مسوولان دادگستری رسید که تمام این اموال را فروخته، پول آن را به حساب شخصی موسوی اردبیلی بریزید که این کار انجام شد.

کرمانشاه - گزارشهای رسیده از کرمانشاه حاکی از آن است که بمبارانهای مکرر این شهر طی دو ماه گذشته باعث خرابی و کشتار بی‌سابقه‌ای در این شهر شده است.

هواداران سازمان در کرمانشاه در مورد اوضاع شهر می‌نویسند:

اگرچه طی هفت سال گذشته، مردم کرمانشاه دوران سختی را پشت سر گذرانده‌اند، و در زیر حملات موشکهای دشمن طی یک سال گذشته، قسمتهای زیادی از شهر منهدم شده است ولی چند هفتهی اخیر از بدترین دوران زندگی مردم این شهر به شمار می‌رود. هیچ نقطه‌ای از شهر از بمبارانهای اخیر بی‌نصیب نمانده است

تهران - بیش از چهار ماه از سال تحصیلی می‌گذرد. اما دانش آموزان مدارس ابتدایی، به غیر از کلاس اول هنوز کتاب علوم ندارند، در حالی که کتاب تعلیمات دینی از همان ابتدا به دانش آموزان داده شده است. جمهوری اسلامی که هدفی جز تحمیل دانش آموزان و گسیل آنان به جبهه‌های جنگ ندارد، به جای آموزش علوم طبیعی، فیزیک، شیمی... کتابهای مذهبی که افکار کهن و پوسیدهی ۱۴ قرن پیش را ترویج می‌کنند در اختیار آنان قرار می‌دهد.

تهران - مدتی است مردم به علت وضع بد مالی، بلیط اتوبوس نمی‌خرند و رانندگان شرکت واحد نیز، اکثراً، مردم را بدون بلیط سوار می‌کنند. یکی از رانندگان شرکت واحد می‌گفت: 'یک روز کار رانندگان را تعطیل کردند و آنها را جمع کردند تا برایشان در مورد بلیط گرفتن صحبت کنند. در آن روز مدیر عامل، شرکت واحد به آنها گفته است که به هیچ وجه راننده بدون بلیط حرکت نکند. اگر کسی بلیط نداد و سوار شد راننده می‌تواند، ماشین را همان جا بگذارد و بپاید شرکت و ما از حقوق راننده کم نمی‌کنیم، تا مردم بدانند که باید بلیط بدهند.'

تبریز - روز ۲۷ دی ماه ساعت ۱۱ شب، ۵ بمب بر روی تبریز افتاد که یکی از آنها به کارگاه دانشگاه فنی دانشگاه تبریز اصابت کرد. در این حمله از ۶۰ دانشجویی که در آنجا مشغول کار تراشکاری بودند، ۴۶ نفر کشته شدند. کار آنها در رابطه با ساختن خمپاره بوده است. روز بعد نیز ۳ بمب بر روی مناطق مسکونی تبریز انداختند که در اثر این بمبارانها، بیش از ۲۰۰ نفر کشته و زخمی شده‌اند.

تبریز - به گفتهی یکی از کارکنان دادگستری، دو سه سال بود که تمام اجناسی که به عنوان قاچاق یا دزدی از



Zeichnung: Schoenfeldt

سران روضه خوان رژیم در اغراق گویی حدومرزی نمی شناسند

حکام اسلامی دست اندرکار

قاچاق خاویار در سطح بین المللی

در ماه اوت ۱۹۸۶، پلیس مرزی دانمارک مقدار ۶ تن خاویار را که در زیر بار هندوانه مخفی شده بود، در مرز این کشور با آلمان کشف و ضبط کرد. از آن تاریخ تاکنون تحقیقات برای یافتن صاحبان یا بهتر بگوییم 'قاچاقچیان' اصلی این مقدار خاویار ادامه داشته است. این مساله به خصوص زمانی اهمیت بیشتری یافت که مقامات دانمارکی خاویارها را، به خاطر جلوگیری از فاسد شدن، در اواخر ژانویه سال جاری، به مبلغ ۱۰۴۰۰۰۰۰ دلار به فروش رساندند.

در این میان، دولت ایران با طرح این دلیل که انحصار فروش خاویار در دست دولت است، از طریق پلیس بین المللی از مقامات قضایی دانمارک خواسته است که سریعاً وجه حاصله از فروش خاویارها را به حساب دادسرای عمومی تهران ارسال دارند.

این خبر در ظاهر امر می تواند بسیار ساده و معمولی باشد. همچنان که عرضی کالاهایی که تهیه و توزیع آنها در اختیار دولت است، در بازار سیاه داخلی، ظاهراً امری ساده و معمولی است. ولی همان طور که مردم با تمسخر از خود می پرسند که 'این همه سیگار، مرغ، کره و ... چگونه به دست گرانفروشان می رسد؟'، در مورد قاچاق خاویار آن هم به مقدار ۶ تن نیز این سوال مطرح است که از کجا و چگونه به دست آمده است؟ حال آن که حتی تهیه مقدار جزئی آن در بازار داخلی کار چندان ساده ای نیست!

ناگفته پیداست که رژیم جمهوری اسلامی و کارگزاران آن، به کسب سود و درآمد در بازار سیاه داخل کشور پسندیده، به بازارهای سیاه بین المللی نیز روی آورده اند. □

کیلومتری به داخل خاک عراق نفوذ کردند و یک مرکز مهم رادار، شش و پارازیت دشمن را به همراه نیروهای زرهی محافظ آن و چندین مرکز دیگر نظامی و تجهیزات دشمن را منهدم کردند، به چهار شهر عراق حمله کردند، از نیروهای عراقی اسیر گرفتند، اما حتی یک تن از رزمندگان اسلام در این عملیات شهید و یا مجروح نشد.

دروغ و بیشرمی در این مورد به صورت مضحکی درآمده است. به هر حال ملت ایران خود گوهی آگاه بر این جنایتها و بیشرمیهاست و سرانجام 'کفر دنیوی' این 'روضه خوانان برای خود و امپریالیسم' را خواهد داد. □

روضه خوان همواره سعی بر این دارد که با گزافه گویی در شرح 'مصیبت' و یا 'رشادتهای سران اسلام و مسلمین چنانهاز'، هرچه بیشتر، به اصطلاح، مجلس حاضرین را در دست گیرد. البته گزافه گویی یا بهتر است بگوییم وقاحت و بیشرمی هم می تواند حدی داشته باشد، حتی برای یک روضه خوان!

ولی گویا چنین حد و مرزی برای موسوی اردبیلی، معنا و مفهومی ندارد، و هرگاه منبر و مجلسی می بیند، نقش تاریخی خود را به کمال ایفا می کند. چنانچه در خطبهی دوم نماز جمعهی تهران در تاریخ ۲۴ بهمن، با اشاره به عملیات فتم - ۴ که در عمق خاک عراق صورت گرفت، گفت:

در این عملیات، نیروهایی به استمداد یک تپ، تا عمق ۷۰

چند گزارش از ایران

یک میلیون به کلی تخلیه شده است و مردم بی چیز به کوههای اطراف شهر پناه برده اند و در هوای سرد زمستانی، بدون هیچ گونه امکاناتی، روز را به شب می رسانند. دیدار کودکان، پیرمردان و پیرزنانی که از نظر جسمی ضعیف هستند و قادر به تحرک نمی باشند ولی مجبورند راههای صعب العمور را بپیمایند، هر انسانی را آزرده خاطر می سازد. تازه در این شرایط، پاسداران کمیته مردم را در این کوهها نیز به حال خود نمی گذاشتند و مرتب آنان را کنترل می کردند.

در نیمه اول دی ماه مدارس کلا تعطیل بود و در بهمن ماه هم یک حالت اعتصاب در کلیه ادارات و

ایران و آرژانتین برای بازسازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر همکاری می‌کنند

به گزارش منابع خبری غرب، ایران و آرژانتین به زودی معاهده‌ای برای همکاری در زمینه توسعه تاسیسات انرژی هسته‌ای، امضا خواهند کرد. به گفته این منابع مذاکرات سری از دسامبر سال گذشته بین دو کشور در جریان بوده است و قرار است آرژانتین کار ساختمان نیمه‌تمام نیروگاه اتمی بوشهر را به پایان برساند. علاوه بر آرژانتین کمپانی کرافتورک (Kraftwerke) آلمان نیز در این پروژه شریک خواهد بود.

ده سال پیش، رژیم شاه قراردادی برای ساختمان نیروگاه بوشهر با کمپانی کرافتورک بسته بود. در مقطع قیام بهمین، سه چهارم کار این نیروگاه تمام شده بود، اما پروژه متوقف شد. یک سال و نیم بعد از قیام، رژیم جمهوری اسلامی به منظور جبران کمبود نیروی برق، از کمپانی آلمانی خواست تا ساختمان کار نیروگاه اتمی را تمام کند. اما از آنجا که جنگ ایران و عراق آغاز شده بود، کمپانی

مزبور حاضر نشد کارکنان خود را به این منطقه بفرستد.

نیروگاه بوشهر - ۱، برابر ۱۲۹۳ مگا وات قدرت دارد و یکی از هدفهای بمبارانهای هوایی عراق است. هواپیماهای عراقی حداقل ۳ بار به این نیروگاه حمله کرده و ادعا کرده‌اند که گنبد سالن راکتور را با موشکهای اگزوست هدف قرار داده‌اند.

نیروگاه اتمی بوشهر، مانند هر نیروگاه اتمی دیگر، می‌تواند برای تولید اسلحه‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. جمهوری اسلامی مدت‌ها پیش متوجه شد که در جنگ با عراق استفاده از موی انسانی کافی نیست. از همین رو، دست به دامان امپریالیسم شد تا اسلحه‌های سنگین به دست آورد. اکنون به نظر می‌رسد، در برنامه‌های گسترش مرزهای 'حکومت اسلامی' به سراسر خاورمیانه، استفاده از سلاحهای هسته‌ای را نیز در دستور کار خود قرار داده است. □

رژیم ۳۱ میلیون دلار اسلحه از آرژانتین می‌خرد

بنابر گزارش روزنامه‌ی گاردین مورخ ۲ مارس، دولت آرژانتین اخیراً یک قرارداد فروش اسلحه با جمهوری اسلامی به ارزش ۳۱ میلیون دلار منعقد کرده است. خبر و جزئیات معاملی اخیر از جانب رزرو کارنلی، مدیرعامل یک کارخانه‌ی اسلحه‌سازی آرژانتینی به نام Fabricaciones Militares انتشار یافته است. این کارخانه متعلق به فرماندهان و مقامات ارتشی آرژانتین است.

لازم به تذکر است که این اولین بار نیست که دولت آرژانتین تسلیحات

مورد نیاز رژیم را تامین می‌کند، بلکه طی سه سال گذشته بارها خبر فروش اسلحه از جانب دولت آرژانتین به جمهوری اسلامی در مطبوعات غرب منعکس شده است. در یک مورد مشخص در سال ۱۹۸۵ نیروی دریایی آرژانتین چند ناو جنگی بلااستفاده‌ی خود را به رژیم جمهوری اسلامی فروخته بود. همچنین، آرژانتین که طی چند سال گذشته بخشی از اسلحه‌های مورد نیاز رژیم عراق را هم تامین می‌کرده است، اخیراً قراردادی را برای ارسال هواپیمای اکتشافی با دولت عراق منعقد کرده است. □

مرتجعین

خواهان تعطیل مدارس و دانشگاهها شدند

در حالی که در طول چند سال گذشته دانش آموزان بیشترین قربانیان این جنگ ارتجاعی را تشکیلا، داده‌اند، و به گفته‌ی خود مزدوران رژیم بیش از ۵۷ درصد نیروهای بسیجی را دانش آموزان تشکیلا، می‌دهند، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پس از شکست اخیرش در جبهه‌ها به منظور تامین قربانیان اهداف ارتجاعی و جنگ طلبانه‌اش قصد دارد دانشگاهها و مدارس را تعطیل کند. روزنامه‌ی جهرم‌خوار رسالت در شماره‌ی مورخ ۱۵ بهمن ماه خود می‌نویسد: 'اکنون که مدارس و دانشگاههای بسیاری از شهرهای ایران آماج کینه به‌شون کافر قرار گرفته‌اند باید مکر دشمن را به خودش بازگردانده باید با اعلام تعطیل مدارس، و به ویژه دبیرستانها و دانشگاهها و برخی از ادارات و... مردم ایران وارد مرحله‌ی جدیدی از دفاع مقدس خود شوند. باید صدها هزار نیروی انتقام در قالب سپاه حضرت مهدی (عج) راهی جبهه‌های نبرد شوند.'

مرتجعین این اهداف شوم خود را در شرایطی اعلام می‌کنند که چند روز قبل از آن با اعلام اعزام ۲۲ گردان دانش آموزی در دهی فجر اعزام دانش آموزان از سوی مدارس را اجباری می‌کنند. معاون پرورشی آموزش و پرورش استان تهران در این رابطه می‌گوید: 'از هر دبیرستان پسرانه و یا مدرسه‌ی راهنمایی واجد شرایط حداقل ۲۰ دانش آموز داوطلب به همراه ۲ تن از پرسنل داوطلب راهی جبهه‌های نبرد با دشمن یعنی خواهند شد. اولین اعزام روز بهمن ماه جاری انجام می‌شود و مدت حضور در مناطق عملیاتی بین ۴۵ روز تا سه ماه خواهد بود.' □

خلغالی جنایتکار مورد 'استقبال گرم' سران شوروی فرارگرفت

به دعوت دولت شوروی، در نیمه دوم بهمن ماه، یک هیات سیاسی - اقتصادی 'بلندپایه' از جمهوری اسلامی برای انجام مذاکراتی عازم مسکو شد. این هیات که ریاست آن را ولایتی، وزیر امور خارجه، رژیم به عهده داشت متشکل بود از شخصیتهای منفوری همچون آیت الله خلغالی جلاذ خلق، کرد و مزدورانی چون لاریجانی، احمدی، قضایی و سرمدی. خلغالی جنایتکار که به نمایندگی از مجلس ارتجاع در این سفر شرکت جسته بود، در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی کیهان به تاریخ ۲۹ بهمن توضیحاتی در مورد این سفر داد. او گفت: 'وقتی که ما وارد فرودگاه اختصاصی شدید وزیر امور خارجه شوروی به همراه چند تن دیگر از ما استقبال گرمی کردند... و از همان جا ما را به جای هتل به یک کاخ اختصاصی به نام ساوه‌نیکاه بردند و پذیرایی گرمی از ما به عمل آوردند.'

در مذاکرات بین شواردنازه، وزیر امور خارجه شوروی و نمایندگان رژیم، شواردنازه سیاستهای 'ضدامپریالیستی'، 'دفاع از صلح' و 'برقراری نظام عادلانه اجتماعی و اقتصادی' جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار داده اظهار داشت: 'ما معتقدیم که انقلاب ایران جنبه‌ی ضدامپریالیستی دارد، همین طور مواضع شما در دفاع از صلح و از بین بردن سلاحهای مخرب و برقراری نظام عادلانه اجتماعی و اقتصادی در جهان مورد تأیید ماست.' (جمهوری اسلامی، شنبه، ۲۵ بهمن ۰۶۵) وزیر خارجه شوروی که گویا نسبت به روابط رسوای جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا و قراردادهای تسلیحاتی بین دو کشور با دیدی اغماض می‌نگرد، خطاب به گروه مذکور می‌گوید: 'ما در مقابل آمریکا باید حافظ منافع خودمان باشیم و مراقب نفوذ آمریکا در منطقه باشیم.'

اما آنچه که بی‌تردید حتی سران رژیم را هم متعجب ساخته، تأیید مواضع صلح طلبانه‌ی رژیم (!) از سوی اتحاد جماهیر شوروی است. رژیم جمهوری اسلامی که در طی چند سال گذشته با ادامه‌ی سیاست جنگ طلبانه‌اش بیش از نیم میلیون تن انسان را نابود کرده است و شعار 'جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی' محور استراتژیک سیاستهای حکومتش را تشکیل می‌دهد، تا به حال از سوی هیچ دولتی به عنوان مدافع صلح معرفی نشده بود.

قابل ذکر است که به گفته‌ی شواردنازه، در پنجاه سال گذشته، این اولین بار است که وزیر خارجه‌ی ایران از شوروی دیدار رسمی به عمل می‌آورد. بی‌شک پذیرایی شوروی از مزدوران جمهوری اسلامی زمینه‌ی تبلیغی وسیعی را برای رژیم، که به خاطر جنایاتش در سطح جهانی منزوی شده، به بار خواهد آورد. خلغالی کودن از هم‌اکنون سعی در استفاده‌ی تبلیغاتی از این موضوع دارد. او می‌گوید: 'ما در دیدار با وزیر خارجه شوروی، به او گفتیم که به دلایل نقشی که ما در جهان می‌توانیم داشته باشیم اگر مشکلات، گله و شکوه‌ها بین ما و اتحاد جماهیر شوروی برداشته شود مسلماً منشاء خیلی کارها خواهد بود و آنها این معنی را قبول داشتند که ایران در سطح بین‌المللی یک وزنه سنگین است و این را نفی نمی‌کردند.' (کیهان، ۲۹ بهمن ماه)

گرومیکو، صدر هیات رئیسه شوروی از شواردنازه هم فراتر رفته، می‌گوید: 'رهبری ایران رهبری تواناییست که ملت از آن تبعیت می‌کند.'

رهبران شوروی با حقانیت بخشیدن به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و استقبال و پذیرایی از جلادانی پراوازه چون خلغالی، که کشتار کمونیستها و انقلابیون ایران را جزو افتخارات خود می‌شمارد، درک خود را از مفهوم همبستگی با خلقهای تحت ستم و انترناسیونالیسم پرولتری به معرض قضاوت جهانیان می‌گذارند.



اذهان عمومی جهان در جستجوی یافتن راه حلی برای خاتمه جنگ ایران و عراق

ابعاد جنگ ایران و عراق که بزرگترین فاجعه بشری پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید، آنچنان وسیع است که برای به پایان رساندن آن، هر روز طرح‌های بیشتری از سوی کشورها، سازمانها و مقامات مختلف در سراسر جهان، ارائه می‌شود. یکی از جدیدترین طرح‌ها از سوی یک سازمان اسپانهای مطرح شده که مورد تأیید و همکاری تعدادی از سازمانهای جهانی و محلی و شخصتهای ادبی، علمی و هنری متعددی که به لحاظ بشردوستی و صلح طلبی معروفیت دارند، قرار گرفته است.

سازمان مذکور که 'برای صلح و برعلیه گرسنگی و تبعیض' نام دارد، فعالیت خود را با اجرای برنامه‌ای در راه ایجاد صلح بین ایران و عراق آغاز خواهد کرد. این برنامه به این صورت است که با کمک کشتیهایی که اجاره می‌شود، عده‌ای از افراد کشورهای مختلف که ارتباط مستقیمی با جنگ ندارند، به جبهه‌های جنگ ایران و عراق، منتقل خواهند شد. این اشخاص که وجه مشترکشان بشردوستی و صلح طلبی است، همچون یک سد انسانی بین دو خط آتش قرار خواهند گرفت. آنها به قدری به این عمل خود ادامه خواهند داد تا طرفین جنگ را ناگزیر به رفتن به پای میز مذاکره برای تأمین صلح کنند.

اگرچه مکاتباتی با اتحادیه جهانی صاحبان کشتی صورت گرفته، ولی این طرح هنوز در مرحله نوشته‌ای بر روی کاغذ است. البته، حتی اگر این طرح و طرح‌های این چنین به مرحله اجرا هم نرسند، امکان مشارکت گسترده‌ای که انسانها از سراسر جهان می‌توانند در آن داشته

نکات جدیدی

در مورد روابط پنهانی ایران و آمریکا فاش شد

در هفته‌ی آخر ماه فوریه، کمیسونی که از سوی ریگان برای رسیدگی به روابط پنهانی آمریکا و ایران انتصاب شده بود، نتیجه‌ی تحقیقات خود را منتشر ساخت. این کمسیون که تحت نظر یکی از سناتورهای آمریکا به نام تاور تشکیلا شده بود (و به نام 'کمسیون تاور' شناسایی می‌شود)، نکات جدیدی را در مورد درجه‌ی نزدیکی روابط جمهوری

ملا آمریکا می‌پذیرد که در هنگام اشاره به کشورهای تأیید کننده‌ی 'تروریسم'، به طور عمد نامی از ایران نبرد و فقط کشورهای لیبی، سوریه، کوبا و یمن جنوبی را ذکر کند. همچنین طبق توافقهای دو کشور، وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در یک بیانیه رسمی، به کار بردن مواد شیمیایی توسط عراق را محکوم می‌کند.



اسلامی با امپریالیسم آمریکا فاش ساخت. نکات زیر که در صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۳۳ گزارش کمسیون تاور آمده است، حسن نیت آمریکا را نسبت به ایران نشان می‌دهد. در این گزارش تأکید می‌شود که روابط بین دو کشور به معاملات اسلحه محدود نبوده است، بلکه موافقت‌های دیگری نیز بین دو کشور وجود داشته است.

علاوه بر این هنگامی که مجاهدین در پی کسب حمایت مرتجع‌ترین جناح‌های امپریالیسم، در دولت آمریکا بودند، ایران از دولت ریگان خواست که با انتشار بیانیه‌ای رسمی، مجاهدین خلق را سازمانی مارکسیستی - تروریستی معرفی کند و از فروش یا تحویب هرگونه اسلحه یا رساندن کمک به این گروه مخالف جمهوری اسلامی، خودداری ورزد.

باشند، خود نشانگر ابعاد وسیع 'غیرانسانی' این جنگ خانمان سوز است که جمهوری اسلامی، جنایتکارانه، در ادامگی آن اصرار دارد.

اهداف سرمایه‌داران اسلامی از طرح لایحه بیمه بیکاری

بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی رژیم، کاهش درآمدهای ارزی حاصله از فروش نفت و تانهایت بلاواسطی آن بر صنایع در حال رکود و وابسته به دلارهای نفتی و اختصاص بخش اعظم درآمدها به ماشین جنگی و اهداف توسعه‌طلبانه رژیم مجموعه شرایطی فراهم می‌آورد که از سوی سران رژیم 'الطاف خفنه‌ی خداوندی' نام برده می‌شود. از جمله اقدامات مرتجعین در مقام پاسخ گویی به این الطاف، سوق صنایع به لبه پرتگاه نابودی کامل و صدها هزار نفر از کارگران به اردوی بیکاران است.

رژیم جمهوری اسلامی همه روزه تحت عناوین گوناگونی از قبیل 'برنامی دگرگونی ساختار اقتصادی و تغییر الگوی صنعت' به عیارت دیگر قراردادن صنایع در خدمت اهداف مہلتاریستی و جنگ طلبانه رژیم، و پا 'برنامی نوین اقتصادی' یعنی ترازنامی ورشکستگی و بحران زدگی اقتصاد جمهوری اسلامی تعداد هرجه بیشتری از واحدهای تولیدی را به تعطیل می‌کشاند. در شرایطی که جامعه از بیشترین تعداد بیکاران در دهه‌های اخیر برخوردار است و خود مزدوران رژیم به وجود ۴/۸ میلیون نفر شاغل، کاذب و بیکار' در جامعه اعتراف می‌کنند، موج اخراجهای دستجمعی و گروهی آغاز می‌شود. بدین ترتیب با گذشت هر روز انبوه عظیم اردوی بیکاران متراکمتر می‌شود.

سران رژیم از آغاز به راه انداختن موج اخراجهای دستجمعی، به منظور جلوگیری از اعتراضات کارگران شیوه‌های بسیاری به کار گرفته‌اند، که آخرین آنها حربه بیمه بیکاری بود. از این رو، بعد از چار و جنجال تبلیغاتی بسیار لایحه بیمه بیکاری که نوید چیرگی خیلی پاهین به اضافی یک نان سنگک خالی نان و پنیر' (به گفتی کمالی، نمایندی ارتجاع در مجلس)، را به کارگران می‌داد، از سوی دولت موسوی به مجلس ارایه می‌شود. پس از گذشت چند ماه کلیات این لایحه در جلسی مورخ ۷ دی ماه به تصویب می‌رسد. اما این بار نیز پس از مخالفت برخی از نمایندگان ارتجاع با سلب یک فوریتی بودن این لایحه و ارجاع آن به کمیسیون کار، به عیارت دیگر ارجاع آن به آئیندی نامعلوم، یک بار دیگر نشان داده می‌شود که برای سرمایه‌داران اسلامی پرداخت

بخش ناچیزی از ارزش اضافی کسب شده به خود کارگران حتی با هزاران اما و اگر مشروط کننده به سادگی قابل پذیرش نیست.

زمانی که سرمایه‌داران اسلام منش، به لیل وحشتی، که از 'بیمه‌های سیاسی - اجتماعی' ایجاد و سیم بیکاری دارند، مجبور به بازگرداندن بخشی کوچک از حاصل دسترنج کارگران می‌شوند، البته نه به عنوان حق مسلم کارگران بلکه به عنوان صدقه و خیرات.

سرمایه‌داران اسلام منش به منظور بالا بردن هرجه بیشتر ارج و ثوابشان در پیشگاه سرمایه در اولین گام دامنی بسیار محدود این صدقه را تصریح می‌کنند، و در این راستا به منظور حفظ ظاهر حاتم بخشی سرمایه‌داری اسلامی نهایت مهارت به کار گرفته می‌شود که تیلور آن مادی یک لایحه مذکور است: 'مادی ۱- کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی با توجه به مقررات این قانون مشمول بیمه بیکاری خواهند بود.'

بی‌شک عیارت برطمطراق 'کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی' فقط می‌تواند برای یک تازه وارد ناآشنا به نحوی عملکرد قانون گذاری تامین اجتماعی در جامعه ایران، تصور ولعی دست و دل بازی سرمایه‌داران اسلام منش را فراهم سازد. برای هر فرد آگاه به وضعیت تقسیم نیروی انسانی، در شاخه‌های گوناگون فعالیت اقتصادی در ایران و ابعاد تنگ عملکرد قانون تامین اجتماعی در این عرصه، پهنی واقعی عیارت برطمطراق کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی کاملاً مشخص است. بر اساس برآوردهای خود رژیم بیشترین حجم بیکاران مربوط به کارهای ساختمانی و کارگران ساده کشاورزی است. یعنی بخشهایی که در آنها به هیچ وجه سخنی از قانون تامین اجتماعی در میان نیست.

مادی ۲ این قانون تعریف بیکار را این گونه ارایه می‌دهد 'بیکار از نظر این قانون فردی است که مشمول این قانون بوده و بدون مهل و اراده بیکار شده و آمادگی کار باشد.'

عیارت بدون مهل و اراده در بند فوق، در حقیقت قصد دارد دست دولت را در قانونی بودن موقعیت یک فرد بیکار و یا عدم آن باز بگذارد. بدیهی است که سرمایه‌داران هیچ گاه نخواهند گفت که مثلاً با سیاستهای سوجدویانه و یا ضدکارگری، کارگران را

اخراج می‌کنند. سرمایه‌دار به راحتی خواهد گفت که مثلاً به علت شرایط جنگی، کمبود ارز و محدودیت اعتبارات مجبور به کاهش و یا ثابت نگه‌داشتن سطح دستمزد است. اگر کارگر تن به این شرایط اسارت بار ندهد و عطای کار را به لقایش ببشد، در آن صورت به مهل و اراده خود بیکار شده و نتیجتاً مشمول الطاف این قانون نخواهد شد.

در تصریح ۲ مادی ۲ وضعیت قشر وسیعی از تشکیل دهندگان نیروی کار جامعه، یعنی کارگران فصلی در رابطه با این لایحه مشخص می‌شود. بر اساس این تبصره کارگران فصلی جهت استفاده از بیمه بیکاری در وهله اول باید 'از مهل اعتبارات بودجی عمومی دستمزد یا حقوق دریافت دارند'، یعنی فقط درصد ناچیزی از کارگران فصلی، چرا که اولاً در ایران بخش اعظم این کارگران برای بخش خصوصی کار می‌کنند. ثانیاً، آن بخش کوچکی هم که در فعالتهای مربوط به مهل اعتبارات بودجی عمومی مشمول هستند همواره به صورت کارگر پیمانی و خارج از حیطه قوانین تامین اجتماعی کار می‌کنند. اما دازا بودن همی این شرایط هنوز به معنای دریافت صدقه جمهوری اسلامی نیست. این کارگران که در واقع اکثریت بیکاران را تشکیل می‌دهند، باید در اردوی گرسنگی و فقر بیکاران در انتظار باشند تا به تدریج با 'تصویب شورای عالی کار و شورای عالی تامین اجتماعی' موفق به دریافت بیمه بیکاری شوند. طراحان لایحه شرایط دیگری را نیز در لایحه گنجانده‌اند، مثلاً متقاضیان بیمه بیکاری علاوه بر آنچه که تاکنون تحت عنوان خدمات تامین اجتماعی از دستمزدشان کسر می‌شد حال باید بخشی را نیز برای بیمه بیکاری پرداخت کنند. علاوه بر این، شخص بیمه شده برای استفاده از مزایای بیمه بیکاری باید قبل از بیکار شدن حداقل ۶ ماه سابقی پرداخت حق بیمه و بیمه بیکاری را داشته باشد. در تصریح ۱، بند ۳، مادی ۶ لایحه نوشته شده است:

تاریخ استفاده از مزایای بیمه بیکاری از ۶۳/۱/۱ تعیین می‌گردد. نحوی شمول بیکاران واجد شرایط سالهای ۶۳، ۶۴، ۶۵ به شرح زیر است: آن دسته از کارگرانی که در طول سالهای ۶۳، ۶۴ و ۶۵ نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه بوده‌اند و شخصاً برخلاف مهل و اراده خود بیکار شده و در واحدهای کار و امور اجتماعی طرح شکایت نموده‌اند با رعایت بند ۳ این ماده مشمول خواهند بود.

به این ترتیب، جمع کثیری از

طول چند سال گذشته، در مقایسه با دیگر طبقات و اقشار جامعه بهترین سهم را در پرداخت تاوان سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی متحمل شده است. در شرایطی که گرانی و تورم افسارگسیخته در جامعه پدید می‌کند، دستمزد کارگران نه تنها تغییر نکرده است، بلکه رژیم به شیوهای گوناگون به اخاذی از کارگران ادامه داده است. قدرت خرید کارگران آنچنان کاهش یافته است که آنان حتی قادر به تأمین ابتدایی‌ترین نیازها و مایحتاج زندگی خود نیستند. عناصر پیشرو طبقه کارگر اخراج، بازداشت و به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. تشکلهای انقلابی کارگران برچیده شدند و به جای آنها تشکلهای ارتجاعی و وابسته به رژیم جایگزین شده است.

در چنین شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی، با به تعطیل کشاندن کارخانجات و موسسات تولیدی، یورش جدیدی را بر علیه جنبش طبقه کارگر آغاز می‌کند. نوک حمله این یورش متوجه آن بنیادهایی است که طبقه کارگر فقط برپایه آنها می‌تواند به صورت یک طبقه قدرتمند در برابر حملات بورژوازی مقاومت کند. از این رو، موفقیت رژیم در این یورش، هرچند به طور موقتی، برای طبقه کارگر یک فاجعه خواهد بود. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و تشکل پذیری آن نهفته است. موفقیت رژیم در اخراج و پراکنده ساختن کارگران به معنای درهم شکستن زمینهای این اتحاد و تشکل پذیری، و به یک کلام درهم شکستن قدرت مقاومت کارگران در برابر سرمایه‌داران است. به ویژه با توجه به اینکه اولاً، بهترین تاثیر 'الطاف خفیهی خداوندی' متوجه آن بخش از صنایع است که به دلیل سطح بالای تکنولوژی بهترین وابستگی را به دلارهای نفتی دارند، و از این رو، آگامترین، مجرب ترین و تشکل پذیرترین بخش کارگران در این بخش متراکم است. ثانیاً، به دلیل فقدان تشکلهایی که بتوانند در صورت خروج کارگران از کارخانه آنان را مجدداً متشکل سازند، عمق این فاجعه از نقطه نظر منافع جنبش طبقه کارگر بیش از پیش مشخص می‌شود.

بر اساس همین واقعیتها است که طبقه کارگر نمی‌تواند و نباید حاضر به درهم شکسته شدن بنیانهای قدرتش در مقابل یک جیره ناچیز به نام بیمه بیکاری شود. بیمه بیکاری در شرایط کنونی تنها می‌تواند عیش رفرمیستهای همچون راه کارگر را بنشانند. اما از نقطه نظر منافع طبقه کارگر، تنها راه حل حفظ بنیادهای قدرت این طبقه در مقابل نظام سرمایه‌داری، اشغال کارخانجات و مقابله با اخراجهای دسته‌جمعی است. □



Heinrich Kley

شرایط تبدیل، غیبت موجه به غیرموجه و نتیجتاً قطع بیمه بیکاری در هر زمان که لازم ببیند، است. سپس در بند چ همان ماده می‌خوانیم: 'بیمه شدهی بیکار از قبول شغل، تخصصی خود و یا شغل مشابه پیشنهادی خودداری ورزد.' این بند همان تضمینی است که از سوی طراحان لایحه جهت اطمینان خاطر سرمایه‌داران اسلام منش بابت حفظ و تداوم خشن‌ترین شکل استثمار کارگران ارائه می‌شود. حادثی‌زاده، یکی از نمایندگان ارتجاع، برای رفع نگرانی آن بخش از نمایندگان سرمایه که تماماً چنین لایحهی ارتجاعی را هم نداشتند، این مادهی اطمینان بخش را چنین توضیح می‌دهد:

افراد متخصص و کارگر که بیکار می‌شوند چند ماهی در اختیار دولت می‌مانند و اگر کاری در نقاط مختلف کشور برای آنها پیدا شد آنها را به آن مناطق می‌فرستند و اگر نرفتند حق پرداخت بیمه بیکاری‌شان قطع می‌شود یعنی بیمه بیکاری وقتی به این افراد داده می‌شود که اگر بگویند در فولاد مبارکه کار است و نرفتند این پول قطع می‌شود و آقایان ابعاد مختلف قضیه را بگویند.

بدون شک طبقه کارگر ایران در

بیکاران موجود در جامعه بر اساس زمانبندی فوق از دریافت بیمه بیکاری معاف می‌شوند. باقی مانده نیز علاوه بر اینکه باید سندهای تکمیلی لایحه، یعنی همان میل و اراده برای کنار کردن بیمه بودن و ... این بار می‌بایست شکایت هم کرده باشند.

اما آن تعداد محدود کارگرانی هم که موفق به پشت سر گذاشتن موافقت یافته می‌شوند، هنوز هیچ تضمینی برای برخورداری از بیمه بیکاری را ندارند.

بند ب مادهی ۸ لایحه، موارد قطع بیمه بیکاری را چنین توضیح می‌دهد: بنا به اعلام واحد کار و امور اجتماعی محل و نهضت سوادآموزی بیمه شدهی بیکار بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی و یا سوادآموزی خودداری نماید.

اگر کسی به ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی آشنا نباشد، بالطبع این فرمول را بسیار معصوم و خیراندیشانه خواهد یافت. اما در واقعیت امر، این فرمول پردوی ساتری است. برای اهداف ارتجاعی رژیم یعنی تلاش برای کنترل هرچه بیشتر کارگران، تشکیلات دوره‌های کارآموزی، بسیجی و سپاهی و کلاسهای شستشوی مفزی. علاوه بر اینها، زمینه‌سازی برای

سیاست‌های جدید اتحاد جماهیر شوروی

است. بخشی از این سیاست به نقل، ضعفها و مشکلات جامعه شوروی، بخش اخبار سوانم، حوادث و جز اینهاست که طبعاً در این دوره از پیشرفت رسانه‌های خبری و سیستم‌های مخابراتی، اجتناب ناپذیر و واجب است، (به عنوان مثال: گزارش اخبار مربوط به سانحه چرنوبل و یا بحث آزاد پیرامون مشکلات جامعه شوروی از قبهل مسالعی رشوه‌خواری، که گورباچف مبارزه با آن را در صدر وظایف دولت قرار داده است). پیرو 'سیاست باز'، آمار دقیق تری از میزان الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، رکود، کسری تولیدات کشاورزی... به چاپ رسیده است

تا آنجا که به مسالعی دموکراسی و آزادیهای سیاسی برمی‌گردد، زندانیان آزاد شده مانند ساخارف، بگون و ۱۴۰ زندانی که اخیراً آزاد شده‌اند، همگی از مخالفان نظام سوسیالیستی هستند. در هنگام آزادی ۱۴۰ زندانی، وزیر کشور اتحاد جماهیر شوروی، در یک مصاحبه تلفنی با خبرنگار بی بی سی گفت:

ما مصریم دیگر زندانیان سیاسی شوروی را نیز آزاد کنیم. تنها مانم مادی ۷۰ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی است که مطابق آن کسانی که به مخالفت با نظام سوسیالیستی برخاسته‌اند باید مجازات شوند. البته برای حل مساله، ما در نظر داریم این مادی قانون اساسی را تغییر دهیم. □

خطاب به جنبشهای رهایی بخش رهنمود داد که 'دیگر مبارزه قهرآمیز برای سرنگونی سرمایه‌داری، قابل توجه نیست'. این موضع‌گیری نشانه‌ای از تغییرات اساسی در برنامه و سیاستهای اتحاد جماهیر شوروی نسبت به جنبشهای رهایی بخش است.

در ادامگی همین سیاست، میخایلیا، گورباچف در سخنرانی ۱۷ فوریه ۱۹۸۷، تعاریف جدید از همزیستی مسالمت‌آمیز و مسالعی جنگ و صلح ارائه کرد و گفت: ما واقعیت نهایی را نمی‌دانیم. بازسازی ملی ما دعوتی است به دیگر سیستم‌های اجتماعی تا با سیستم سوسیالیستی، رقابت مسالمت‌آمیزی داشته باشند. ما در عمل، نشان خواهیم داد که چنین رقابتی به نفع پیشرفت جهانی و صلح جهانی است. کوشش ما برای بهبود اوضاع کشورمان به هیچ کس آسیبی نمی‌رساند و دنیا تنها از این مساله استفاده خواهد کرد.

به عبارتی، اکنون دیگر حتی صحبتی از تز خروشچی: 'پهروزی سوسیالیسم در رقابت مسالمت‌آمیز' هم نیست، در حقیقت خود رقابت، هدف نهایی دولت اتحاد جماهیر شوروی شده است. همزمان با این تغییر و تحولات، رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی 'سیاست باز' (GLASTNOST) را در دستور کار خود قرار داده

تغییر و تحولاتی که از دو سال پیش با انتخاب میخایلیا، گورباچف به رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود، پس از مدتها تلهلی و ترویج درونی، از نوامبر سال ۸۶، به صورت سیاست رسمی و سازمان یافته اتحاد جماهیر شوروی در سطح بین‌المللی مطرح شد.

اولین نمود بهرونی این تغییر و تحولات در اجلاس پارلمان عالی شورهای اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹ نوامبر سال ۸۶ مطرح شد. در این اجلاس، قانون 'آزادی سرمایه‌گذاری خصوصی' به تصویب رسید و به این ترتیب، برای اولین بار در تاریخ اتحاد جماهیر شوروی، دولت به افراد اجازه خواهد داد در بخش خدمات، تولید کارهای دستی، تعمیرات... سرمایه‌گذاری محدود کرده، با استخدام افراد خانوادگی خود 'به تقویت اقتصاد کشور و رسیدگی به خواستهای مصرفی مردم' بپردازند. رهبران حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به منظور توجه این قانون، در آغاز، آن را با برنامه‌ی نپ دوران لنین مقایسه کردند. اما سپس اعلام داشتند، 'از آنجا که در هر صورت کار و تولید غیرقانونی در بخشهایی از اقتصاد کشور، فعالیت و عملکرد گسترده‌ای دارد و به طور کلی اقتصاد سیاه (بازار سیاه، تولید و خدمات غیرقانونی...) وجود دارد، بهتر است به آن شکل، قانونی داده شود تا دولت از مالیات این بخش از فعالیتهای اقتصادی بهره‌مند شود. (مجله نیوتایمز، چاپ مسکو). علاوه بر این، لایحه تصویب شده در پارلمان عالی شورهای اتحاد جماهیر شوروی، متقاضیان سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق می‌کند که از وامهای دولتی استفاده کنند.

همزمان با طرح این لایحه، نشریه پروادا طی مقاله‌ای، پس از اشاره به خطرات جنگ هسته‌ای می‌نویسد: از آنجا که مارکسیسم در دوره پیش از عصر اتم تدوین شده است، باید اصول آن را دوباره مورد بررسی قرار داد. این نشریه

ریگای گهل

ارگان کمیته کردستان

سازمان پریکهای فدائی خلق ایران

را بخوانید

آمریکا برای به زانو در آوردن انقلاب نیکاراگوئه

دست به نوطه جدیدی می زند

در اواسط ماه فوریه سران کشورهای کستاریکا، هندوراس، السالوادور و گواتمالا در یک گردمائی تحت عنوان 'کنفرانس صلح آمریکای مرکزی' در سن خوزه پایتخت کستاریکا شرکت کردند. این گردمائی در شرایطی انجام پذیرفت که از یک سو تلاش کنفرانسهای متعدد کنترا متشکا، از نمایندگان کشورهای کلمبیا، مکزیک، پاناما و ونزوئلا پس از چهار سال برای خاتمه دادن به شرایط بحرانی منطقهی آمریکای مرکزی با شکست روبرو شده است. و از سوی دیگر طی چند ماه اخیر، سیاست امپریالیسم آمریکا مبنی بر اعطای کمکهای بی دریغ به ضدانقلابیون نیکاراگوئه مورد مخالفت افکار عمومی مردم آمریکا و برخی از جناحهای دوراندیش قرار گرفته است. در حقیقت دولت ریگان با برگزاری این کنفرانس نمایشی از جانب دولتهای وابسته در منطقه تلاش می کند که در وهله نخست دولت ساندنیستها را چه در سطح بین المللی و چه در عرصهی آمریکای لاتین ایزوله کند تا در قدمهای بعدی با بحرانیتر شدن وضعیت داخلی نیکاراگوئه،

حملهی نظامی مستقیم را به خاک این کشور از طریق دولتهای وابستهی منطقه و نیروهای ضدانقلابی کنترا سازمان دهد. به همین جهت برگزار کنندگان کنفرانس مذکور از رئیس جمهور نیکاراگوئه برای شرکت در اجلاسهای این کنفرانس دعوتی به عمل نیاورد و اورتگا در یک مصاحبهی مطبوعاتی کنفرانس اخیر را تجمع نژوکلنی واشنگتن در منطقهی آمریکای مرکزی نام نهاد. بنا به گزارش روزنامهی نیکاراگوایی باریکاد، در ۵ فوریه یک قطعنامهی ماهه ای، تحت عنوان 'چگونه به بحران کنونی میتوان خاتمه داد'، که از جانب ۷ حزب و سازمان سیاسی نیکاراگوئه (از جمله حزب محافظه کار، حزب مستقل، لیبرال، حزب 'کمونیست' نیکاراگوئه و ...) به امضا رسیده بود، در اختیار رئیس جمهور گذاشته شد. قطعنامهی مذکور، گرچه از جانب احزاب مختلف با انگیزه های متفاوت به امضا رسیده بود، اما در مجموع خواستار آتش بس فوری و آغاز مذاکرات با نیروهای ضدانقلابی کنترا و خاتمه دادن به وضعیت اضطراری کنونی است.

از نکات جالب توجه، تحلیل، حزب 'کمونیست' این کشور، در مورد تغییر و تحولات اخیر است. آلتا میرانو، دبیر اول این حزب مدعی شده است که سرکوب نظامی نیروهای ضدانقلابی کنترا از جانب ساندنیستها، خطر حملهی مستقیم نظامی نیروهای آمریکایی را به خاک نیکاراگوئه شدیداً افزایش می دهد. به همین جهت این حزب در ائتلاف با احزاب دست راستی مصمم است که احزاب مذکور را در 'وظایف خطیر ملی' فعال کند و از این طریق خطر حملهی نظامی آمریکا را کاهش دهد!؟

با تمام اینها، وزیر دفاع نیکاراگوئه گزارش یک ماههی عملیات نیروهای نظامی ساندنیستها علیه ضدانقلابیون را در ماه ژانویه بسیار موفقیت آمیز ارزیابی کرد. بنا به گفتهی او، طی این مدت ۶۷۰ نفر از ضدانقلابیون مجروح و ۴۰۰ نفر کشته شدند و در مقابل ۸۱ تن از ساندنیستها زخمی و ۸ تن از آنان کشته شدند. طی همین مدت نیروی دریایی آمریکا با همکاری ارتشهای هندوراس و پاناما چندین مانور نظامی در آبهای نیکاراگوئه انجام دادند. آمریکا همچنین در جنوب کستاریکا که در مجاورت خاک نیکاراگوئه است، دست به ساختمان پایگاههای جدید نظامی زده است. □



عکس، صحنه ای از اجلاس سران وابسته به واشنگتن را نشان می دهد. (از راست به چپ رئیس جمهور کستاریکا، گواتمالا و هندوراس)

پلیس پرودست به يك حمله وحشيانه عليه دانشجویان زد

در نیمه شب جمعه ۱۳ فوریه، بیش از ۳ هزار تن از نیروهای پلیس فاشیستی پرو در یک عملیات ۴ خوابگاه مربوط به دانشگاه‌های لیما را به محاصره خود درآوردند و با یک هجوم وحشیانه و شکستن در و پنجره‌ی ساختمانها به اتاقهای دانشجویان و کارمندان دانشگاهها حمله‌ور شدند و بیش از ۸۰۰ تن از آنان را دستگیر و روانه‌ی بازداشتگاههای دسته‌جمعی کردند.

در این حملات بیش از ۳۰ تن از دانشجویان و ۳ تن از قوای پلیس مجروح شدند و یکی از نگهبانان خوابگاهها کشته شد. در روزهای بعد دانشجویان با برپایی تظاهرات و اشغال ساختمانهای اداری دانشگاهها حمله‌ی وحشیانه‌ی پلیس را محکوم کردند و خواستار مجازات مقامات انتظامی شدند. وزیر کشور پرو در روز شنبه ۱۴ فوریه در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی عملیات مذکور را برای برقراری امنیت پایتخت ضروری شمرد و مدعی گردید که خوابگاههای دانشجویان طی چند ماه اخیر به مراکز تبلیغات نیروهای چپ تبدیل شده بود. وی همچنین مدعی شد که پس از تخریبی دانشجویان پلیس موفق به کشف مقادیر زیادی سلاحهای گرم و نشریات و اعلامیه‌های متعلق به سازمانهای راه درخشان و جنبش انقلابی توپا آمارو شده است.

طبق آخرین خبرهای رسیده از لیما، تظاهرات و اعتراضات گسترده‌ی دانشجویان همچنان ادامه دارد و دانشگاههای پایتخت در حالت نیمه‌تعطیل، بسر می‌برند. همچنین در اوایل ماه فوریه، سازمان عفو بین‌الملل، ضمن گزارشی مفصلا از کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی پرو در تابستان گذشته، دولت آلن گارسیا را محکوم به سرپوش گذاشتن بر جنایات

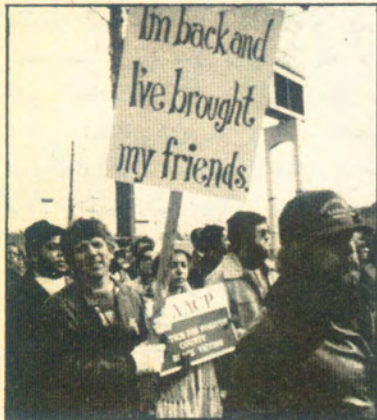
تظاهرات علیه تبعیض نژادی در آمریکا

مجروح شدند. در اعتراض به این یورش بود که در ۲۴ ژانویه تظاهرات عظیم دیگری در این منطقه صورت گرفت که در حدود ۲۰ هزار نفر از مخالفان تبعیض نژادی از سراسر آمریکا در آن شرکت کردند.

نژادپرستان کولاکس‌کلان که در یکی از قوی‌ترین پایگاههای خود (یعنی منطقه‌ی فورسایت) مورد تهدید قرار گرفته بودند، به خشم آمده و با به راه انداختن یک ضدتظاهرات ۲ هزار نفره

به مناسبت سالروز مرگ مارتین لوتر کینگ، قهرمان فقید مبارزات آزادی خواهی سیاهان آمریکا، در ۱۹ ژانویه تظاهراتی علیه نژادپرستی و در دفاع از حقوق مدنی در منطقه‌ی فورسایت (Fonsyth) در ایالت جورجیا برگزار شد.

این تظاهرات در منطقه‌ای که یکی از قوی‌ترین پایگاههای سفیدپوستان نژادپرست است و طی چندین سال گذشته هزاران نفر از سیاهان در اثر تبعیضات



صحنه‌ای از

تظاهرات علیه تبعیض نژادی

سعی بر درهم کوبی این حرکت عظیم را داشتند.

این تظاهرات با دخالت هزاران پلیس و سربازان گارد ملی در حالی که تظاهرکنندگان شعار می‌دادند 'ما پیروز می‌شویم' پایان یافت. □



دو تن از اعضای جریان فاشیستی کولاکس‌کلان

نژادپرستانه‌ی سفیدپوستان از این منطقه رانده شده‌اند، برگزار شد.

این تظاهرات مورد یورش همه جانبه‌ی نژادپرستان عضو سازمان فاشیستی کولاکس‌کلان قرار گرفت و در طی این حمله دهها تن از سیاهان تظاهرکننده

از اجساد این زندانیان هیچ اثری باقی نمانده است. سازمان عفو بین‌الملل در پایان گزارش خود می‌افزاید که علیرغم تبلیغات دولتی، شکنجه‌های زندانیان سیاسی به طور سیستماتیک همچنان ادامه دارد اما به خاطر عدم دسترسی این سازمان به زندانیان سیاسی اطلاعات آنان بسیار محدود و ناقص است. □

فجیع در زندان الفرانتون کرد.

طبق این گزارش، پس از گذشت ۹ ماه از این واقعه، مسوولان دولتی و قوای نظامی با بی‌شرمی تمام از آنچه که بر سر ۶۰ تن از زندانیان سیاسی زندان مذکور آمده است اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. البته این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که تمامی آنان اعدام شده‌اند، ولی

رژیم ضیاء به کشتار زحمتکشان

پاکستان ادامه می‌دهد

دیکتاتوری عنان گسیخته رژیم ضیاء الحق در پاکستان توده‌های کارگر و زحمتکش این کشور را برآن داشته که با استفاده از هر فرصتی تنفر و انزجار خود را نسبت به این رژیم سرسپرده به امپریالیسم آمریکا، ابراز دارند.

در ماه اخیر اعتراضات و تظاهرات توده‌ای در کراچی و استان بلوچستان در پاکستان بار دیگر با یورش وحشیانه پلیس و تیراندازی به سوی توده‌های زحمتکش، به خاک و خون کشیده شد.

در ماه گذشته تظاهراتی از طرف اعضا و کارکنان شورای شهر کراچی ترتیب داده شد. در این تظاهرات از استانداری استان سند خواسته شده بود که سهم شورای شهر را از مالیاتهای جمع‌آوری شده از صاحبان وسایل نقلیه پرداخت کند. رژیم فاشیستی ضیاء به بهانهی اینکه آنان قانون ممنوعیت تظاهرات را لغو کرده‌اند، شورای شهر را منحل و اقدام به دستگیری رئیس آن و ۱۰۰ نفر از اعضا کرد. در پی این عمل، در کراچی، مردم به خیابانها ریختند و با به آتش کشیدن اتومبیلها خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم ژنرال ضیاء ابراز داشتند. در استان بلوچستان پاکستان به دنبال کشته شدن ۸ نفر از زحمتکشان روستای جیوانی به وسیلهی ماموران پلیس، اعتراضات دو روزه‌ای در مناطق مختلف این استان توسط دانشجویان بلوچ ترتیب داده شد. در این اعتراضات مردم پس از ابراز انزجار خود از این عمل، وحشیانه به آتش زدن وسایل نقلیه و غیره اقدام ورزیدند و خواستار اعتصاب شدند. این خواست منجر به تعطیل مغازه‌ها شد. این تظاهرات با خشونت وحشیانهی پلیس روبرو شد که منجر به مجروح شدن ۱۲ نفر و کور شدن دو چشم یک پسر بچه شد. □

یک ونیم میلیون تن کارگر در آتن دست به اعتصاب زدند



کارگران یونان در مرکز شهر آتن

خشم خود را از سیاستهای دولت این کشور به نمایش می‌گذارند.

را به مورد اجرا درآورد. اتحادیه‌های کارگری در ماه اخیر اعلام کردند که این اعتصابات در اعتراض به سیاست فوق و همچنین پایین بودن سطح دستمزدها و افزایش شدید بیکاری صورت گرفت.

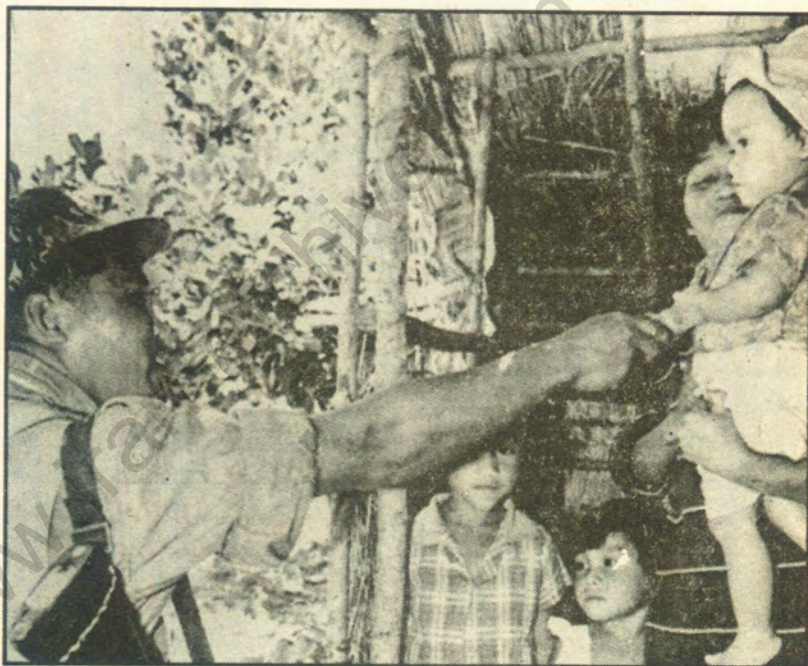
لازم به توضیح است که ضمن اینکه دستمزد کارگران در ۱۵ ماه گذشته ثابت نگه داشته شده است نرخ تورم در همین مدت ۲۵ درصد افزایش یافته است. □

اعتصاب ۲۴ ساعتی ۱/۵ میلیون تن از کارگران و توده‌های زحمتکش در شهر آتن سراسر یونان را به حالت تعطیل، درآورد. در ماه اخیر بیش از یک میلیون تن از کارگران، در اعتراض به سیاست دولت 'سوسیالیست' آندره پاپاندرو مبنی بر 'تشبیه دستمزدها برای مدت ۲ سال' دست به اعتصاب زدند. این قانون اولین بار در سال ۱۹۸۱، به وسیلهی حزب سوسیالیست به دولت وقت معرفی شد و پاپاندرو به محض به قدرت رسیدن آن

چریکها مبارزه علیه دولت فیلیپین را از سر می‌گیرند

پس از گذشت دو ماه از اعلام آتش بس بین جبهه‌ی دموکراتیک خلق و دولت آکینو، بالاخره در تاریخ ۸ فوریه این جبهه اعلام داشت که مذاکرات صلح بدون کسب هیچ نتیجه‌ای به پایان رسید. جبهه‌ی دموکراتیک خلق در این

ارتش از طرف دولت حاضر به ادامگی مذاکرات صلح است. آنها همچنین گفتند که پیشنهادات دولت مبنی بر اعلام عفو عمومی و اعطای زمین و شغل به چریکهای که خود را به دولت معرفی می‌کنند تنها کوششی در راه تحقیر نیروهای انقلابی است و چریکها هرگز از اهداف و اصول



یک چریک ارتش خلق، قبل از پیوستن به هم‌زمان خود در کوهستانهای مناطق مرکزی فیلیپین، با خانواده‌اش وداع می‌گوید.

رابطه اضافه کرد که، دولت آکینو دربارهی مذاکرات صلح و آتش بس هیچ جدیتی از خود نشان نمی‌دهد و آنها دیگر حاضر به ادامگی مذاکرات نیستند. این جبهه همچنین افزود، آنها تنها در صورتی قبول شرایط چهارگانه یعنی: برخورد قاطع دولت با مسایل سیاسی و اقتصادی، اعمال کنترل شدید غیرنظامی بر ارتش، به رسمیت شناختن جبهه‌ی دموکراتیک خلق به عنوان حزب سیاسی مشروع و تلاش در جهت حل زد و خوردهای بین چریکها و

مبارزاتی خود تنها به خاطر یک سلسله منافع شخصی دست برنخواهند داشت.

بلافاصله پس از اعلام ختم آتش بس، وزیر دفاع دولت آکینو اعلام کرد که ارتش کاملا آمادگی مبارزه با کمونیستها است. این در حالی است که چریکهای ارتش نوین خلق از تاریخ ۸ فوریه تا به حال بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای ارتش را در زد و خوردهای مختلف کشته‌اند.

اعتراضات معلمان فرانسه

علیه سیاستهای دولت شیراک

به دنبال پیشنهادات دولت دست راستی ژاک شیراک مبنی بر طبقه‌بندی شغل معلمان، افزایش قدرت ناظمها در مدارس و انجام رفرمهای ارتجاعی در دانشگاهها، هزاران تن از معلمان مدارس ابتدایی دست از کار کشیدند. چندین اتحادیه‌ی بزرگ معلمان در پاریس با اعلام یک روز اعتصاب عمومی و فراخواندن تظاهرات در اواسط فوریه اعلام کردند که دولت شیراک باید پیشنهادات جدید خود را پس بگیرد یا در غیر این صورت آنها به اعتراضات خود تا رسیدن به یک نتیجه‌ی دلخواه ادامه خواهند داد. □

تظاهرات دانشجویی در اسپانیا

اوج تازه‌ای گرفت

بعد از گذشت سه ماه از اعتراضات دانشجویان علیه سیاستهای آموزشی دولت اسپانیا و وضع قوانین جدید برای ورود به دانشگاهها، ناآرامیهای دانشجویی در این کشور همچنان ادامه دارد.

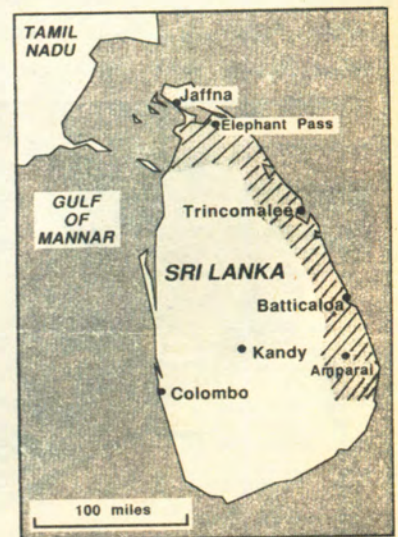
دانشجویان با انجام دهها راهپیمایی، حمله به چندین ایستگاه پلیس، ایجاد ترافیک بر سر چهارراههای بزرگ در شهر مادرید و تحریم کلاسهای درس خولهان لغو این قوانین شده‌اند.

در جریان تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری ماه اخیر، صدها تن از دانشجویان دستگیر و دهها تن زخمی شدند. به دنبال اوج گیری این تظاهرات پلیس فاشیست اسپانیا با حمله به ۴ دانشگاه بزرگ، بیش از ۳۰۰ تن از دانشجویان انقلابی را به بهانه‌ی 'عملیات چریکی' دستگیر کرد. □

مبارزات استقلال طلبانه خلق تامیل

درفراز و نشیبی جدید

در پی شکست مذاکرات صلح بین چریکهای تامیلا، و دولت سریلانکا، و اعلام برقراری 'حکومت مستقل' در اول ژانویه ۱۹۸۷ از طرف چریکها، دولت این کشور سرکوب استقلال طلبان تامیلا را از سر گرفته است. دولت در وهله اول قصد دارد مناطق آزاد شده و تحت کنترل چریکها را از کنترل آنان خارج ساخته و از تجدید سازمان نیروهای آنان جلوگیری به عمل آورد. اخبار موجود حاکی از آن است که نیروهای دولتی در تهاجمات اخیر خود، چریکها را مجبور به عقب نشینی از برخی از مواضع خود کرده اند. شکی نیست که تحولات اخیر در گروههای چریکی پیش برنده مبارزهی مسلحانه در تامیل و به طور کلی ضعفهای موجود در رهبری این مبارزات تاثیر خود را بر جنبش گذاشته است. اما چیزی که در این میان مسلم است این است که خلق تامیل مصمم است به مبارزهی خود علیه شوونیسم سینهایلی به رهبری حزب اتحاد ملی همچنان ادامه دهد.



قسمتهای تیره، مناطقی است که نشین سریلانکا را نشان می دهد.

سوریه سعی دارد

سیستم سیاسی لبنان را در جهت منافع خود 'اصلاح' کند

سوریه عبارتند از: ۱- رئیس جمهور از حق رای خود در هیات وزیران صرف نظر کند، ۲- نخست وزیر از سوی پارلمان انتخاب شود (در حال حاضر این امر بر عهده رئیس جمهور است)، ۳- تقسیم قوا بر اساس قومیت و به صورتی که اکنون در لبنان معمول است، نباید صورت گیرد.

اگرچه این طرح از موقعیت و نفوذ مقام ریاست جمهوری کم می کند، ولی بنا بر گفته مقامهای مسوول لبنان، 'امین جمیلا'، رئیس جمهور این کشور، تقریباً این سه اصل را در اساس پذیرفته ولی در جهت تعدیل آنها، طرح دیگری در زمینه اصلاح سیستم سیاسی در لبنان ارائه داده است.

در این طرح پیشنهاد شده است که اولاً، اگر مقرر شود که پارلمان نخست وزیر را انتخاب کند، میبایست تعداد نمایندگان مسیحی و مسلمان در آن مساوی باشد. ثانیاً تصمیم گیری در هیات وزیران به ریاست رئیس جمهور، بر اساس اتفاق آراء صورت گیرد. در حالی که طبق پیشنهاد سوریه، وجود اکثریت مطلق آراء کافی است. ولی به نظر 'امین جمیلا'، پیشنهاد اخیر از قدرت او در هیات وزیران خواهد کاست.

از آنچه گفته شده پیداست که واقعیتهای موجود در مورد وضعیت کنونی لبنان، پذیرش به اصطلاح 'اصلاح سیاسی لبنان در جهت حفظ صلح و امنیت داخلی' را به مقامات مسوول آن کشور قبولانده است. بدین ترتیب، به نظر میرسد که 'تغییر' امری است مورد قبول دو دولت طرف مذاکره، منتها میزان و کیفیت 'تغییر'، مورد اختلافی است که حل آن موضوع مذاکرات جاری بین دو کشور را تشکیل می دهد.

طبق گزارش رسانه های گروهی مختلف، دو هیات لبنانی و سوریه هشتمین دور مذاکرات خود را روز پنجشنبه پنجم مارس، در دمشق، آغاز کردند. این مذاکرات، احتمالاً، مقدمات تشکیل کنفرانس سران دو کشور را فراهم می سازد. موضوع آن بررسی پیش نویس طرحی است که از جانب سوریه برای



اسد خیال فرمانروایی بر منطقه را در سر می پروراند.

تعیین نیروهای تشکیل دهنده حکومت آینده در لبنان ارائه شده است. هدف سوریه از تنظیم طرح پیشنهادی خود که به عنوان 'برنامهی صلح' ارائه شده، برقراری تعادل قوای سیاسی بین مسلمانان و مسیحیان لبنان، به طور رسمی و قانونی است. بدین ترتیب، نیروهای وابسته به سوریه میتوانند امتیازات قانونی بیشتری به دست آورند و موقعیتی را که از طریق نظامی با مداخله سوریه به دست آورده اند، از لحاظ قانونی و رسمی نیز تثبیت کنند. بدین لحاظ طرح مزبور، اساساً، مورد مخالفت نیروهای غیرمسلمان لبنان قرار گرفته است.

سه نکته اصلی طرح پیشنهادی